

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

حدیث غدیر

استوار و تردید ناپذیر

۲۷ آذر ۱۳۸۷

۱۸ ذیججه المراه ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

مقدمه

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ الْيَوْمَ يَبَسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ﴾^(۱).

امروز کافران از (زوال) آیین شما مأیوس شدند، بنابر این از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم .

براساس آنچه تاکنون بیان شد، معلوم گردید که یکی از نظریات مهم مکتب خلافت نظریه عدالت صحابه می باشد. توجه به آیه اکمال و استدلال شیعه بدان، اساس مدرسه خلافت و در پی آن نظریه عدالت صحابه را از بین می برد. بازبینی

۱ - سورة مائده، آیه ۳.

و دقت در سلسله مباحث گذشته روشن می‌سازد که مکتب خلافت مکتبی ساختگی، بدون مشروعیت الهی و توطئه‌ای از پیش طراحی شده می‌باشد. برای گریز از لوازم آیه اکمال بعضی از اهل سنت مانند بخاری ادعا کرده‌اند که نزول این آیه شریف در روز عرفه می‌باشد^(۱) ولی ثابت کردیم که عقلاً و نقلاً نزول آیه شریف فوق در روز غدیر خم و در محل غدیر خم می‌باشد^(۲).

گزارشی از وقایع غدیر خم

پیامبر ﷺ در روز ۱۸ ذی حجة الحرام سال ۱۰ هجری در غدیر خم توقف کردند و امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان ولی مؤمنین معرفی نمودند. غدیر خم محلی است که مورخین در مورد آن چنین می‌نویسند:

«غدیر خم من الجحفة التي تشعب فيها طرق المدينتين والمصريين والعراقيين»^(۳).

غدیر خم مکانی در جحفه می‌باشد که مسیر مدینه و مصر و عراق از آنجا از هم جدا می‌شود.

این سفر زیارتی پیامبر ﷺ یکی از مسافرت‌هایی است که تمام خصوصیات آن ثبت و ضبط شده است و گویا تمام تاریخ نگاران گام به گام، همراه

۱- صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۲۷.

۲- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب، اکمال دین در غدیر حقیقتی انکارناپذیر، تألیف: آیت الله یثربی (دام‌ظله).

۳- معجم البلدان، جلد ۲ صفحه ۱۱۱ و الغدیر، جلد ۱ صفحه ۱۰.

پیامبر ﷺ بوده‌اند تا حادثه‌ای هر چند کوچک از دیده‌ها پنهان نماند.

در کتب معتبر این واقعه چنین گزارش شده است:

«لَمَّا أَعْلَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خُرُوجَهُ إِلَى مَكَّةَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ خَلَقَ كَثِيرٌ يَأْتُمُونَ بِهِ فِي حِجَّتِهِ تِلْكَ الَّتِي يُقَالُ عَلَيْهَا حِجَّةُ الْوُدَاعِ، وَحِجَّةُ الْإِسْلَامِ، وَحِجَّةُ الْبَلَاغِ، وَحِجَّةُ الْكَمَالِ وَحِجَّةُ التَّمَامِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْمَدِينَةِ مَغْتَسِلًا مَتَدَهِنًا مَتَرَجِّلًا مَتَجَرِّدًا فِي ثَوْبَيْنِ صَحَارِيِّينِ إِزَارَ وَرِدَاءَ وَذَلِكَ يَوْمَ السَّبْتِ لِخَمْسِ أَوْ سِتِّ بَقِيَيْنِ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ وَأَخْرَجَ مَعَهُ نِسَاءَهُ كُلَّهُنَّ فِي الْهُوَادِجِ؛

هنگامی که رسول الله ﷺ قصد خود برای حرکت به سوی مکه را اعلام داشتند، افراد فراوانی از مدینه به ایشان پیوستند در سفر حجی که مشهور به حجّ الوداع، حجّ الاسلام، حجّ البلاغ و حجّ الکمال و حجّ التمام شد. رسول الله ﷺ از مدینه خارج شدند در حالی که غسل کرده و روغن زده بودند، با پای پیاده و دو پیراهن (ازار و رداء) بر تن داشتند و آن روز شنبه بود که پنج یا شش روز دیگر ماه ذی‌القعدة تمام می‌شد، همه همسران رسول الله ﷺ سوار بر محمل به مکه می‌رفتند.

وسار معه أهل بيته وعامة المهاجرين والأنصار ومن شاء الله من قبائل العرب وأفناء الناس وخرج معه تسعون ألفاً ويقال: مائة ألف وأربعة ألافاً وقيل: مائة ألف وعشرون ألفاً وقيل: مائة ألف وأربعة وعشرون

أَلْفًا وَيُقَالُ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ وَهَذِهِ عِدَّةٌ مِنْ خَرَجٍ مَعَهُ وَأَمَّا الَّذِينَ حَجَّوْا مَعَهُ
فَأَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ كَالْمَقِيمِينَ بِمَكَّةَ وَالَّذِينَ أَتَوْا مِنَ الْيَمَنِ مَعَ عَلِيِّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

خانواده رسول الله ﷺ و همه مهاجرین و انصار و هر که خدا
می خواست از قبایل عرب و مردم عادی به مکه رفتند. همراهان
رسول الله ﷺ نود هزار یا صد و چهار هزار و در نقلی دیگر صد
و بیست هزار و در نقل دیگر صد و بیست و چهار هزار نفر و یا
بیشتر به سمت مکه رفتند، و این تعداد کسانی بودند که از مدینه
به همراه رسول الله ﷺ به سمت مکه رفتند، اما کسانی که به
حج مشرف شدند پیش از این تعداد بودند، ساکنین مکه و کسانی
که از یمن به همراه امیرالمؤمنین علیؑ آمدند نیز به تعداد فوق اضافه
شدند.

تمام وقایع این سفر در تاریخ ثبت شده است. به این صورت که روز یکشنبه و
دوشنبه به کدام منطقه رسیدند و چه کردند. روز سه شنبه وارد مکه شدند پس از
پایان مناسک حج و هنگام بازگشت از این سفر روز هجدهم ذی الحجّه به منطقه
جحفه رسیدند. نزدیک ظهر بود که آیه مبارک ذیل نازل شد:

﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
رِسَالَاتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾^(۱).

۱ - سورة مائده، آیه ۶۷.

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است را کاملاً به مردم برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از خطرات (احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

خداوند متعال در تمام قرآن با نرمی و لطافت با رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن می‌گوید ولی با توجه به حساسیت این موضوع، کلام را به انواع تأکیدات مزین می‌فرماید و انجام آن را از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواستار می‌شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراه مردم نماز ظهر را به جای آوردند درحالی که:

«وكان يوماً هاجراً يضع الرجل بعض رداءه على رأسه وبعضه تحت قدميه من شدة الرمضاء فلما انصرف رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من صلاته قام خطيباً وسط القوم على أقتاب الإبل وأسمع الجميع رافعاً عقيرته فقال: آن روز بسیار گرم بود و مردم از شدت گرما ردای خود را بر سر می‌کشیدند و قطعه‌ای از لباس خود را زیر پا می‌گذاشتند. هنگامی که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نماز فارغ شدند، بر روی جهاز شترها در میان جمعیت ایستادند و با صدای بلند سخنرانی کردند به نحوی که همه بشنوند.

تا به اینجا مقدمات خطبه معروف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. خطبه غدیریّه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان شیعیان و اهل سنت دارای اختلاف اندکی در عبارت می‌باشد. اما آنچه ذکر می‌شود از مجموعه گفتار اهل سنت جمع‌آوری شده است.

« الحمد لله ونستعينه ونؤمن به ونتوكل عليه ونعوذ بالله من شرور

أنفسنا ومن سيئات أعمالنا الذي لا هادي لمن ضلّ ولا مضلّ لمن هدى
وأشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمّداً عبده ورسوله، أمّا بعد:

سپاس خدای را و از او یاری می‌جوییم و به او ایمان داریم و بر او
توکل می‌کنیم و به او پناه می‌بریم از هواهای نفسانی و از اعمال
بدمان، خدایی که اگر او کسی را گمراه کند هدایت کننده‌ای ندارد
و اگر کسی را هدایت فرمود، گمراه کننده‌ای ندارد و شهادت
می‌دهیم که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [بنده و
فرستاده اوست، امّا بعد:

أيها الناس قد تبأني اللطيف الخبير أنه لم يعمر نبيّ إلا نصف عمر
الذي قبله وإنّي أوشك أن أدعى فاجبت وإنّي مسؤول وأنتم
مسؤولون فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنّك قد بلغت ونصحت
وجهدت فجزاك الله خيراً؛

خداوند سبحان به من خبر داد که هر پیامبری به مقدار نصف عمر
پیامبر پیشین عمر می‌کند (یا به مقدار نیمی از عمری که تا زمان
بعثت داشته) و من در انتظار پاسخ به دعوت الهی هستم، و من و
شما مسئول هستیم، شما چه می‌گویید؟ مسلمانان گفتند: ما
شهادت می‌دهیم که پیام خداوند را ابلاغ کردید و ما را نصیحت
نمودید و در راه خدا جهاد کردید و خداوند بهترین پاداش‌ها را بر
شما ارزانی بدارد.

قال: أَلستم تشهدون أن لا إله إلا الله وأنَّ مُحَمَّدًا عبده ورسوله وأنَّ جنته حقٌّ وناره حقٌّ وأنَّ الموت حقٌّ وأنَّ الساعة آتية لا ريب فيها وأنَّ الله يبعث من في القبور قالوا: بلى نشهد بذلك، قال: اللَّهُمَّ أشهد؛

پس رسول الله ﷺ فرمودند: آیا شهادت می دهید، که خدایی جز خدایی یگانه نیست و مُحَمَّد [ﷺ] بنده و فرستاده اوست و بهشت و آتش حق است و مرگ حق است و شکی در قیامت نیست و خداوند مردگان را زنده می کند؟ مسلمانان عرض کردند: آری شهادت می دهیم، رسول الله ﷺ فرمودند: خداوند آگاه باش؛ ثمَّ قال: أَيُّها الناس أَلَا تسمعون؟ قالوا: بلى، قال: فَأَيُّ فرط علي الحوض وأنتم واردون علي الحوض وإنَّ عرضه ما بين الصنعاء وبصرى فيه أقداح عدد النجوم من فضة فانظروا كيف تخلفوني في الثقلين، فنادى مناد: يا رسول الله ما الثقلان؟

سپس رسول الله ﷺ فرمودند: ای مردم! آیا می شنوید؟ آنان عرض کردند: آری، رسول الله ﷺ فرمودند: من در حال نزدیک شدن به حوض کوثر هستم و شما بر من وارد می شوید و عرض حوض کوثر از صنعا^(۱) تا بصری^(۲) می باشد، و در آن جام هایی از نقره به تعداد ستارگان آسمان است پس بنگرید که پس از من با دو گنج گران بها چه می کنید؟ از میان جمعیت شخصی فریاد زد: ای رسول الله ﷺ آن دو امر گران بها چیست؟

۱- صنعا، پایتخت یمن می باشد. (معجم البلدان، جلد ۳ صفحه ۴۲۶)

۲- بصری، روستایی نزدیک دمشق پایتخت سوریه می باشد. (معجم البلدان، جلد ۱ صفحه ۴۴۱)

قال: الثقل الأكبر كتاب الله طرف بيد الله عز وجلّ وطرف بأيديكم
فتمسكوا به لا تضلّوا والآخرا الأصغر عترتي وإنّ اللطيف الخبير نبأني
أنّهما لن يتفرقا حتّى يردا عليّ الحوض فسألت ذلك لهما ربّي فلا
تقدّموهما فتهلكوا ولا تقصروا عنهما فتهلكوا؛

رسول الله ﷺ فرمودند: گنج گران بهای بزرگ، کتاب خداوند
است که یک طرف آن در دست خداوند متعال است و طرف دیگر
آن در دستان شماس است به آن چنگ زنید تا گمراه نگردید و گنج
گران بهای دیگر، اهل بیت من می باشد، خداوند متعال به من خبر
داد که آن دو از هم جدا نمی شوند تا بر حوض بر من وارد شوند و
من آن را از خداوند خواستم. از آن دو سبقت نگیرید که هلاک
خواهید شد و به آن دو بی اعتنا نباشید که هلاک خواهید شد.

ثمّ أخذ بيد عليّ فرفعها حتّى رويّ بياض آباطهما وعرفه القوم
أجمعون، فقال: أيّها الناس من أولى الناس بالمؤمنين من أنفسهم؟
قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: إنّ الله مولاي وأنا مولى المؤمنين وأنا
أولى بهم من أنفسهم؛

سپس رسول الله ﷺ دستان امیرالمؤمنین [علیه السلام] را گرفته و بالا
بردند به نحوی که سفیدی زیر بغل پیامبر [صلی الله علیه و آله] و امیرالمؤمنین [علیه السلام]
دیده شده و همه مردم امیرالمؤمنین [علیه السلام] را دیدند و شناختند، و
رسول الله ﷺ فرمودند: ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنین از

خودشان اولی است؟ آنان عرض کردند: خدا و رسولش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داناترند، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: خدا مولای من است و من مولای مؤمنان هستم و من به مؤمنان از خودشان اولی هستم.

فمن كنت مولاه فعلي مولاه، ثم قال: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأحب من أحبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره واخذل من خذله وأدر الحق معه حيث دار، ألا فليبلغ الشاهد الغائب، ثم لم يتفرقوا حتى نزل أمين وحي الله بقوله: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛

هر کس که من مولای او هستم علی عَلَيْهِ السَّلَام مولای اوست، سپس فرمودند: خداوندا! دوست بدار دوستدار او را و دشمن بدار دشمن او را و یاری نما یاری کننده او را و ذلیل کن ذلیل کننده او را و حق را همیشه همراه او کن. حاضران، غایبان را آگاه کنند. مردم پراکنده نشده بودند که جبرئیل نازل شد و این آیه آورد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.

فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضى الرب برسالتي والولاية لعلي من بعدي ثم طفق القوم يهتفون أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَام وممن هنأه في مقدم الصحابة: الشيخان أبو بكر وعمر كل يقول: بخ بخ لك يا بن أبي طالب أصبحت وأمسيت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة»^(۱).

۱ - الغدير، جلد ۱ صفحه ۹ و از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۲۸۱، فضائل الصحابة للنسائي، صفحه ۱۴، مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۰۹ و مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۰۳.

رسول الله ﷺ فرمودند: الله اکبر بر کامل کردن دین، و تمام کردن نعمت و رضایت خداوند به رسالت ام و ولایت امیرالمؤمنین [ع] پس از من، پس مردم گروه گروه به امیرالمؤمنین [ع] تبریک گفتند، و از نخستین افراد ابوبکر و عمر بودند و هر کدام از آن دو عرض کردند: بر تو ای فرزند ابی طالب مبارک باشد، هم اکنون شما مولای من و مولای هر زن و مرد مؤمنی هستید.

ولایت از اصول دین

در این خطبه، پیامبر ﷺ در مورد حقانیت سه اصل از اصول دین از مسلمانان اقرار می‌گیرند؛ ۱ - توحید؛ ۲ - نبوت؛ ۳ - معاد. سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا می‌شود جمله پس از این سه اصل، بیان‌گر فرعی از فروع دین باشد و رتبه اهمیت آن پایین‌تر از سه اصل نخستین باشد؟! بنا بر وحدت سیاق، جمله بعدی نیز بیان‌گر اصلی دیگر از اصول دین یعنی امامت می‌باشد. بدین معنا که نمی‌توان ادعا کرد منظور از ولایت در این خطبه، دوستی و محبت فوق العاده پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین [ع] می‌باشد.

آیا معنی دارد ادعا کنیم پیامبر ﷺ صد و پنجاه هزار نفر را در گرمای شدید جمع کردند (گرمایی که مردم از شدت آن قطعه‌ای از لباس خود را روی سر و قطعه‌ای دیگر را زیر پای خود می‌گذارند) تنها برای اینکه با مردم درد دل خود را بیان کرده و بگویند: امیرالمؤمنین [ع] را دوست بدارید همان طور که مرا را دوست دارید؟!!

ولایت امیرالمؤمنین [ع] جزء اصول مسلم و قطعی دین است، به طوری که

به هیچ وجه قابل انکار نمی‌باشد. ادلهٔ زیادی بر این مطلب دلالت دارند و یکی از بهترین دلایل همین خطبهٔ غدیریّه می‌باشد و انکار ولایت مانند انکار توحید، نبوت و معاد می‌باشد.

اهل سنت برای نپذیرفتن ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام، خطبهٔ غدیریّه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را از دو لحاظ مورد سؤال و شک قرار می‌دهند؛
 ۱- متن حدیث؛ ۲- سند حدیث.

راویان حدیث غدیر

بنابر پژوهشی که علامهٔ امینی رحمته الله علیه در کتاب شریف الغدیر انجام داده است، می‌توان راویان حدیث غدیر را بدین‌گونه دسته‌بندی کرد:

- ۱- از صحابهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۱۰ نفر حدیث شریف غدیر را نقل کرده‌اند.
- ۲- از تابعین^(۱) ۸۴ نفر، راوی این حدیث شریف می‌باشند.
- ۳- ۳۶۰ نفر از علما و مؤلفین اهل سنت در کتب خود، این حدیث شریف را نقل کرده‌اند^(۲).

احمد حنبل وقتی این حدیث شریف را نقل می‌کند ۴۰ طریق برای آن ذکر می‌نماید^(۳). ابن جریر طبری در تاریخ و تفسیر خود حدود ۷۰ طریق^(۴)، ابن عقده

۱- تابعین کسانی هستند که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات نکرده و ندیده‌اند ولی با صحابهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رفت و آمد بوده و آنها را ملاقات می‌کردند.

۲- الغدیر، جلد ۱ صفحات ۱۵۱-۱۴.

۳- الغدیر، جلد ۱ صفحه ۱۴.

۴- الغدیر، جلد ۱ صفحه ۱۵۲.

۱۰۵ طریق^(۱) و ابوسعید سجستانی ۱۲۰ طریق برای این حدیث شریف نقل کرده‌اند^(۲).

شواهدی بر متواتر بودن حدیث غدیر

تواتر^(۳) حدیث شریف غدیر قطعی، یقینی و غیر قابل انکار است. اهل سنت چون قائل به خلافت صحابه هستند ناچارند در مقابل شیعیان که قائل به امامت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند به جای اقامه دلیل، جدل و سفسطه کنند بدین جهت بخاری و مسلم در کتاب‌های خود در مورد حدیث شریف غدیر سکوت اختیار کرده‌اند ولی با این حال تمام اهل سنت به متواتر بودن این حدیث شریف اذعان و اعتراف نموده‌اند. در اینجا لازم است بخشی از شواهد و قرائن فراوانی را که بر متواتر بودن این حدیث شریف در دست می‌باشد، ذکر کنیم.

شاهد نخست

طبق نقل علمای اهل سنت - که در ابتدای گفتار بیان نمودیم - دست کم، ۱۵۰ هزار نفر در این واقعه حضور داشته‌اند و شاهد و ناظر تمام جریانات آن روز بوده‌اند. مگر می‌شود همه این افراد سکوت کرده و وقایع را برای غایبان نقل نکرده باشند؟ مسلماً بعد از این ماجرا هر فردی که به شهر خود بازگشته، وقایع را برای خانواده و اطرافیان خود بازگو نموده است. با این وضعیت متواتر بودن حدیث غدیر غیر قابل انکار می‌گردد.

۱ - الغدیر، جلد ۱ صفحه ۱۵۳.

۲ - الغدیر، جلد ۱ صفحه ۱۵۵.

۳ - خبری که افراد فراوانی آن را نقل نمایند بگونه‌ای که امکان اجتماع آنان بر دروغ گویی نباشد را خیر متواتر می‌گویند.

شاهد دوم

هنگامی که خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علیه السلام از سوی گروهی مورد تردید قرار گرفت، امیرالمؤمنین علیه السلام در منطقه‌ای به نام رجبه^(۱) از مسلمانان در مورد واقعه غدیر شهادت گرفتند. این واقعه در تاریخ به نام یوم الرجبه مشهور شد و این‌گونه روایت شده است.

عن عبدالرحمن بن أبي ليلى: «إِنَّهُ شَهِدَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجْبَةِ قَالَ أُنشِدَ اللَّهُ رَجُلًا سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَهِدَهُ يَوْمَ غَدِيرِ إِلاَّ قَامَ وَلَا يَقُومُ إِلاَّ مَنْ قَدِ رَأَاهُ فَقَامَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا بَدْرِيًّا، فَقَالُوا: قَدِ رَأَيْنَاهُ وَسَمِعْنَاهُ حَيْثُ أَخَذَ بِيَدِهِ يَقُولُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصَرَ مَنْ أَنْصَرَهُ وَأَخَذَ مِنْ خِذْلِهِ، فَقَامَ إِلاَّ ثَلَاثَةٌ لَمْ يَقُومُوا فَدَعَا عَلَيْهِمْ فَأَصَابَتْهُمْ دَعْوَتُهُ؛

روز رجبه امیرالمؤمنین علیه السلام از مردم شهادت گرفت و آنها را سوگند داد کسانی که روز غدیر شاهد ماجرا بودند آن را بازگو نمایند. پس ۱۲ نفر که از اصحاب جنگ بدر بودند، برای شهادت قیام کردند و گفتند ما دیدیم و شنیدیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفته و فرمودند: خدایا! دوست بدار دوستدار او را و یاری فرما یاری کننده او را و ذلیل بگردان، ذلیل کننده او را. پس همه شهادت دادند مگر سه نفر که حاضر به

۱- رجبه منطقه‌ای در کوفه است و در مسیر مکه می‌باشد. (معجم البلدان، جلد ۳ صفحه ۳۳)

شهادت نشدند و امیرالمؤمنین علیه السلام آنان را نفرین کرد و نفرین ایشان علیهم السلام دامن گیر آنان شد.

فشهدوا له وأنس بن مالك حاضر لم يشهد، فقال أمير المؤمنين علیه السلام: ما يمنعك أن تشهد؟ فقد سمعت ما سمعوا، فقال: يا أمير المؤمنين علیه السلام! كبرت ونسيت، فقال أمير المؤمنين علیه السلام: اللهم ان كان كاذباً فاضربه ببياض لا تواريه العمامة، قال طلحة بن عمرو: فأشهد بالله لقد رأيتها بيضاء بين عينيه»^(۱).

پس تعدادی از مردم شهادت دادند و انس بن مالک حاضر به شهادت نشد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام از او سؤال کرد: چرا شهادت نمی‌دهی در حالی که شاهد ماجرا بودی؟ در جواب گفت: ای امیرالمؤمنین علیه السلام! من پیر شده و فراموش کارگشته‌ام، پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خدایا اگر او دروغ می‌گوید به بیماری مبتلا شود [پیسی] به طوری که با عمامه نتواند آن را بپوشاند. طلحه بن عمر می‌گوید: شهادت می‌دهم که همان موقع آثار بیماری را در چهره او مشاهده نمودم.

جریان روز غدیر در سال ۱۰ هجری اتفاق افتاد و یوم‌الرحبه در سال ۳۵ هجری روی داد. بین این دو واقعه ۲۵ سال فاصله بود. تعدادی از اصحاب در این فاصله در جنگ‌ها یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند ولی با این حال ۱۲ نفر از شرکت

۱- کشف الغمّة، صفحه ۱۱۱ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۴ صفحه ۷۴ و حلیة الأولیاء، جلد ۵ صفحه ۲۶.

کنندگان غزوه بدر بر این واقعه شهادت می دهند و اهل سنت آن را انکار نمی کنند. حال سؤال این است که با وجود شهادت ۱۲ صحابه پیامبر ﷺ که در جنگ بدر حضور داشته اند چگونه ادعا می کنید که حدیث غدیر خبر واحد است و به آن اعتمادی نیست؟ در حالی که طبق مبنای اهل سنت (عدالت تمام صحابه)، شهادت یک نفر از صحابه نیز مورد پذیرش واقع می شود تا چه رسد به ۱۲ نفر.

شاهد سوم

«عن رياح بن الحرث قال: جاء رهط إلى عليّ بالرحبة، فقالوا: السلام عليك يا مولانا، قال: كيف أكون مولاكم وأنتم قوم عرب؟ قالوا: سمعنا رسول الله ﷺ يوم غدیر خم يقول: من كنت مولاة فإنّ هذا مولاة قال رياح: فلما مضوا تبعتهم فسألت من هؤلاء؟ قالوا: نفر من الأنصار وفيهم أبو أيوب الأنصاري»^(۱).

ریاح بن حرث می گوید: گروهی از مردان در رحبه نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند و عرض کردند: سلام بر شما ای مولای ما، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: چگونه من مولای شما هستم در حالی که شما عرب هستید [هر دوی ما عرب هستیم و شما برده من نیستید]؟ آنان عرض کردند: ما از رسول الله ﷺ در روز غدیر خم شنیدیم که فرمودند: هر کس که من مولای او هستم، پس علی علیه السلام نیز مولای او است، ریاح گفت: هنگامی که آن گروه

۱- بحار الأنوار، جلد ۳۷ صفحه ۱۴۸ از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۵ صفحه ۴۱۹، مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۰۴ و تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲ صفحه ۲۱۲.

رفتند به دنبالشان رستم و پرسیدم آنان چه کسانی هستند؟ در پاسخ گفتند: گروهی از انصار هستند و ابویوب انصاری نیز همراه آنان بود. این اتفاق زمانی روی داد که پیامبر ﷺ در حال حیات بودند یعنی در مدّت زمانی اندک که هنوز پیامبر ﷺ در حال حیات بودند این خبر به حدّ تواتر رسیده بود. حال سؤال این است که برخی از اهل سنّت چگونه ادّعا می‌کنند حدیث غدیر خبر واحد است و به آن توجّهی نمی‌کنند؟!

شاهد چهارم

عن جعفر بن محمد عن آبائه قال:

«لَمَّا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِغَدِيرِ خَمٍّ نَادَى بِالنَّاسِ فَاجْتَمَعُوا فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، فَشَاعَ ذَلِكَ وَطَارَ فِي الْبِلَادِ فَبَلَغَ ذَلِكَ الْحَارِثُ بْنُ النُّعْمَانِ الْفَهْرِيُّ، فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ حَتَّى أَتَى الْأَبْطَحَ فَنَزَلَ عَنْ نَاقَتِهِ وَأَنَاخَهَا وَعَقَلَهَا ثُمَّ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ فِي مَلَأٍ مِنْ أَصْحَابِهِ؛

هنگامی که رسول الله ﷺ در غدیر در میان مردم دست امیرالمؤمنین علی را گرفتند و فرمودند: هر کس که من مولای اویم پس علی [علی] نیز مولای اوست، این خبر در همه جا پخش شد، حارث بن نعمان فهری پس از شنیدن این خبر با شتر خود به ابطح^(۱) آمد و شتر خود را بست و به نزد رسول الله ﷺ آمد و ایشان را میان اصحاب بودند.

۱ - ابطح نام سرزمینی میان مکه و منی می‌باشد. (معجم البلدان، جلد ۱ صفحه ۷۴)

فقال: يا محمد! أمرتنا عن الله أن نشهد أن لا إله إلا الله وأنت رسول الله فقبلناه منك وأمرتنا أن نصلّي خمساً فقبلناه منك، وأمرتنا بالزكاة فقبلنا، وأمرتنا بالحجّ فقبلنا وأمرتنا أن نصوم شهراً فقبلنا، ثمّ لم ترض بهذا حتّى رفعت بضبعي ابن عمك فضلتته علينا وقلت: من كنت مولاه فعليّ مولاه، فهذا شيء منك أم من الله تعالى؟

حارث گفت: ای رسول الله ﷺ از طرف خداوند به ما دستور دادی که شهادت به یگانگی خدا و رسالت تو بدهیم و ما پذیرفتیم، و دستور دادی که پنج وعده نماز بخوانیم و ما قبول کردیم، و دستور دادی که زکات بپردازیم و ما گردن نهادیم، و دستور دادی که به حج برویم و ما پذیرفتیم، و دستور دادی که یک ماه روزه بگیریم و ما قبول کردیم، باز هم راضی نشدی و اکنون پسر عمویت را بر همه ما ترجیح دادی و می‌گویی: هر کس من مولای اویم، علی [علیه السلام] نیز مولای اوست، آیا این نظر شما است یا از طرف خداوند می‌باشد؟!

فقال: والَّذي لا إله إلا هو هذا من الله فولّي الحارث بن النعمان يريد راحلته وهو يقول: اللهم إن كان ما يقوله حقاً فأمطر علينا حجارة من السماء، أو اتنا بعذاب أليم، فما وصل إليها حتّى رماه الله بحجر فسقط على هامته وخرج من دبره فقتله وأنزل الله سبحانه: ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾ (۱) «(۲)».

۱- سوره معارج، آیه ۲ و ۱.

۲- بحار الأنوار، جلد ۳۷ صفحه ۱۳۶ و از منابع اهل سنت: تفسیر الثعلبی، جلد ۱۰ صفحه

رسول الله ﷺ فرمودند: به خدایی که جز او نیست سوگند، این دستور خداوند است، حارث به سوی شتر خود حرکت کرد و می‌گفت: خدایا اگر آنچه می‌گوید راست است، بارانی از سنگ از آسمان بر سر من فرود آر و یا عذابی دردناک نازل کن، هنوز حارث به شتر خود نرسیده بود که از آسمان سنگی فرود آمد و بر فرق سرش افتاد و از نشیمن‌گاهش بیرون آمد و او را کشت، و این آیه نازل شد «تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد * این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند».

با توجه به شواهد فوق - که اندکی از بسیار بود - جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که حدیث غدیر متواتر می‌باشد، ولی برخی از اهل سنت از لجاجت دست بر نمی‌دارند و ادّعا می‌کنند که:

«خبرٌ آحادٌ مختلفٌ في صحته»^(۱).

خبر واحد است و در صحّت آن اختلاف است.

در پاسخ به ادّعای فوق نظر علمای اهل سنت را در این باره جویا می‌شویم.
ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

«وأما حدیث «من كنت مولاة فعلي مولاة» فقد أخرجه الترمذی والنسائی وهو كثير الطرق جداً وقد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد

→ ۳۵ و نظم در السمطين، صفحه ۹۳.

۱ - از منابع اهل سنت: المواقف، صفحه ۴۰۵ و تمهید الاوائل، صفحه ۴۴۱.

و کثیر من أسانیدها صحاح و حسان»^(۱).

اما روایت «هر کس که من مولای اویم پس علی [علیه السلام] مولای اوست» ترمذی و نسایی آن را نقل کرده‌اند و از راه‌های بسیار زیادی نقل شده است و این عقده در کتابی جداگانه همه اسانید آن را گرد آورده است و بسیاری از اسانید آن صحیح و نیکو است. ذهبی در مورد حدیث غدیر می‌گوید:

«رأيت مجلداً من طرق الحديث لابن جرير فانهشت له ولكثره تلك الطرق»^(۲).

یک جلد کتاب در اسناد این حدیث از ابن جریر دیدم و از آن و از فراوانی افرادی که این روایت را نقل کرده‌اند شگفت زده شدم. ابن تیمیّه (از بنیانگذاران وهابیت) نیز می‌گوید:

«قد صنف أبو العباس ابن عقده مصنفاً في جمع طرقه»^(۳).

ابوالعباس ابن عقده کتابی در تمامی اسانید این روایت تألیف کرده است.

خبری که حدود ۱۵۰ هزار نفر آن را شنیده‌اند، ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۶ نفر از تابعین و ۳۶۰ نفر از علما و مصنفین آن را نقل می‌کنند چگونه خبر واحد و مشکوک به شمار می‌آید؟ آیا می‌توان ادعا کرد تمام این افراد دروغ‌گو هستند؟ آیا

۱- از منابع اهل سنت: فتح الباری، ابن حجر، جلد ۷ صفحه ۶۱.

۲- از منابع اهل سنت: تذكرة الحفاظ، جلد ۲ صفحه ۷۱۳.

۳- از منابع اهل سنت: منهاج السنة، جلد ۴ صفحه ۸۶.

اهل سنت احتمال کذب را در مورد صحابه جایز می‌داند؟ اگر اجازه می‌دهید که در مورد صحابه چنین فکر کنیم، چرا شیعیان را به مجرد اینکه از خلیفهٔ اوّل و دوم ایراد می‌گیرند، مورد تهمت قرار داده و آنان را کافر می‌دانید؟! از طرف دیگر آیا احتمال کذب صحابه با عدالت آنان در تضاد نمی‌باشد؟! چرا اجازه نمی‌دهید اعمال و اقوال شیخین و عثمان را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. آیا از انصاف در بحث علمی به دور نیست خبری که تواتر آن واضح است را مورد نقد قرار می‌دهید و ادّعا می‌کنید که خبر واحد است؟

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی

- ① غدیر خم در چه منطقه‌ای واقع شده است؟
- ② اسامی متفاوت آخرین حجّ رسول الله ﷺ را نام ببرید.
- ③ آخرین حجّ رسول الله ﷺ در چه سالی بود؟ و تعداد همراهان ایشان ﷺ دست کم چند نفر بودند؟
- ④ رسول الله ﷺ در خطبه غدیر نخست از چه اصولی از مردم اقرار گرفتند؟
- ⑤ براساس خطبه پیامبر ﷺ در غدیر چگونه اثبات می‌شود که ولایت از اصول دین است؟
- ⑥ دو امر گران‌بهایی که رسول الله ﷺ در روز غدیر به مسلمانان تمسک به آن را یاد آور شدند چه بودند؟
- ⑦ مهمترین پیام رسول الله ﷺ در روز غدیر چه بود؟
- ⑧ چه تعداد از صحابه، تابعین و مؤلفین حدیث غدیر را نقل کرده‌اند؟
- ⑨ احمد حنبل، طبری، ابن عقده و ابو سعید سجستانی از چند طریق حدیث غدیر را نقل کرده‌اند؟
- ⑩ آیا حدیث غدیر از احادیث متواتر است؟ دو شاهد اقامه کنید.
- ⑪ حارث بن نعمان پس از سرباز زدن از پذیرش ولایت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام از خداوند چه خواست؟ چه روی داد؟ چه آیه‌ای نازل شد؟
- ⑫ نظر «ابن حجر» و «ذهبی» در مورد متواتر بودن حدیث غدیر چیست؟

تواتر حدیث شریف غدیر قطعی ،
یقینی و غیر قابل انکار است . اهل
سنت چون قائل به خلافت صحابه
هستند ناچارند در مقابل شیعیان که
قائل به امامت اهل بیت علیهم السلام می باشند
به جای اقامه دلیل ، جدل و سفسطه
کنند بدین جهت بخاری و مسلم در
کتاب های خود در مورد حدیث شریف
غدیر سکوت اختیار کرده اند ولی با این
حال تمام اهل سنت به متواتر بودن این
حدیث شریف اذعان و اعتراف
نموده اند . در اینجا لازم است بخشی از
شواهد و قرائن فراوانی را که بر متواتر
بودن این حدیث شریف در دست
می باشد ، ذکر کنیم ...

(صفحه ۱۴ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۷۷

۲۵